

## نويل عبدالأحد

### وترجمه رباعيات خيام(\*)

د/ بسام على ربابعة

أستاذ مشارك في اللغة الفارسية وآدابها

قسم اللغات السامية والشرقية

كلية الآداب - جامعة اليرموك - الأردن

#### الملخص

يعدُّ نويل عبد الأحد (م - ) أحد الأدباء والمثقفين والمترجمين الأردنيين الذين عملوا على ترجمة مختارات من رباعيات عمر الخيام إلى اللغة العربية؛ فقد كان الشخصية الأردنية الثالثة من حيث الترتيب التاريخي بعد شاعر الأردن الكبير: مصطفى وهبي التل الملقب بـ "عرار" وعيسى الناعوري اللذين اهتمتا بالخيام وترجما مختارات من رباعياته؛ إذ عمد في عام م إلى ترجمة خمس وسبعين رباعية من اللغة الانجليزية إلى العربية، اعتماداً على ترجمة الشاعر الانجليزي ادوارد فيتزجيرالد المشهورة، ومن ثم طباعتها وتقديمها للقراء العرب في العام نفسه، ولذلك فقد خصص الباحث هذه المقالة لمحاولة تسليط الضوء على شخصية نويل عبد الأحد وأثاره، وجهوده في ترجمة رباعيات عمر الخيام، التي غفل عنها الدارسون والباحثون حتى الآن في اللغة الفارسية؛ على أمل أن تنير هذه المقالة همم المهتمين بدراسة وتحليل ترجمات رباعيات الخيام في العالم العربي.

واژگان کلیدی: عمر خيام، نويل عبد الأحد، ادوارد فيتزجيرالد، رباعيات، ترجمه رباعيات.

(\*) مجلة كلية الآداب جامعة القاهرة المجلد (٧٨) العدد (٦) يوليو ٢٠١٨

## Abstract

### چکیده

نوئل عبد الأحد (۲۰۰۷ - ۱۹۳۹م) یکی از ادیبان، فرهیختگان و مترجمان اردنی است که به ترجمه گزیده ای از رباعیات خیام پرداختند. وی از لحاظ تاریخی سومین شخصیت اردنی بعد از شاعر بزرگ اردن مصطفی وهبی التل ملقب بـ "عرار" و عیسی الناعوری است که به ادبیات شیرین فارسی توجه و اهتمام می ورزید. او در سال ۱۹۵۸م گزیده ای از رباعیات خیام را که در بردارنده هفتاد و پنج رباعی است از زبان انگلیسی و از روی ترجمه مشهور ادوارد فیتزجرالد به زبان عربی برگرداند و آن را روانه بازار نشر کرده و در دسترسی عرب زبانان قرار داده است.

باری پژوهنده در این مقاله به بحث و بررسی شخصیت نوئل عبد الأحد، آثار او و ترجمه رباعیات وی پرداخته، سعی کرده است تا ترجمه وی و تلاش های او را در این زمینه تحت الشعاع قرار دهد؛ زیرا که تا اکنون در این زمینه تأمل و پژوهشی در زبان فارسی صورت نگرفته و متأسفانه تا حالا از این موضوع تغافل مانده؛ از این جهت به تلاش پژوهشگران و خیام

شناسانی که به تحقیق و بررسی رباعیات خیام و ترجمه های آن پرداخته اند، امید می بندیم و انتظار آن می رود که این موضوع هرچه بیشتر مورد استفاده علاقه مندان و محققان و پژوهندگان قرار بگیرد.

#### در آمد

نويل عبد الأحد از ادیبان و فرهیختگان و مترجمان اردنی است که به ترجمه رباعیات عمر خیام (۵۲۶- ۴۳۹ه) دست زده اند، و توانستند گزیده ای از این رباعیات را به زبان عربی ترجمه کنند، گرچه این مترجمان در انتخاب گزیده ای که به زبان عربی برگرداندند، احساس و ذوق خویش را به معرض نمایش گذاشتند؛ اما نويل عبد الأحد نتوانست احساس و ذوق خود را در گزینش رباعیات خیام ارایه کند، وی سهم و نقشی در اختیار گزیده ای از رباعیات خیام نداشت؛ زیرا او این مأموریت را به ادوارد فیتزجرالد (۱۸۰۹- ۱۸۸۳م) واگذار کرد و به ترجمه وی (چاپ اول، ۱۸۵۹م) که در برگزیده هفتاد و پنج رباعی است روی آورد و آن را به زبان عربی ترجمه کرده و در دسترسی عرب زبانان قرار داده است.

خلاصه سخن این است که او مسأله گزینش این رباعیات را به ادوارد فیتزجرالد واگذار کرده است و چنین به نظر می رسد که وی به این ترجمه علاقه ویژه ای داشت. این علاقه و شیفتگی عبد الأحد را بر آن داشت که ترجمه مذکور را از نخستین رباعی تا واپسین آنها به زبان عربی برگرداند؛ (نويل عبد الأحد، ۱۹۵۸) بنابراین نويل عبد الأحد به خدمت زبان و ادبیات فارسی کمر همت بست تا این که توانست گزیده ای از رباعیات خیام را که در بردارنده هفتاد و پنج رباعی است از زبان انگلیسی و از روی ترجمه مشهور منظوم ادوارد فیتزجرالد به زبان عربی برگرداند. وی به این وسیله نام خویش را در لیست اردنیانی که به رباعیات خیام توجه داشتند و خدمات ارزشمند و به یاد ماندنی به رشته تحریر در آوردند، ثبت کند و تا حد زیادی نیز در این تلاش ها موفق بود.

### زندگی نامه نویل عبد الأحد

در حقیقت زمانی که این ترجمه به چاپ رسید، اطلاعاتی زیادی از زندگی نامه نویل عبد الأحد در دست نبود؛ آن پنج خط که روی جلد کتاب نوشته شد (نویل عبد الأحد، ۱۹۵۸) به هیچ درد نمی خورد. خواننده از این پنج خط اطلاعات مفیدی درباره مترجم به دست نمی آورد؛ این اطلاعات به شرح زیر است:

- اسم وی نویل عبد الأحد است.
- در سال (?) دیده به جهان گشود.
- استعدادهای وی بالاتر از سن و سالش بود و از عصر و روزگار خود سبقت گرفت.
- راه خویش را میان نویسندگان بزرگ باز کرد.
- به نوشتن مقاله در مجله های پرآوازه همچون مجله «الایمان» دمشق نیز می پرداخت.

شرح زندگی این مترجم که روی ترجمه خویش ثبت شد، این گونه به پایان می رسد؛ در حالی که فایده ای چندانی برای خواننده ندارد و بهتر بود که چنین شرح حال نوشته نمی شد؛ زیرا چنین ارایه اطلاعاتی از زندگی یک نویسنده یا مترجم و بر آثارش نوشته شده باشد، علاوه بر این که به خواننده هیچ سود و فایده نمی رساند و اطلاعات چندانی در اختیار وی نمی گذارد؛ نمی تواند آن گونه که شایسته مترجم، وی را در محافل ادبی و فرهنگی معرفی کند؛ بلکه به شخصیت وی ضرر و آسیب می رساند. هر چند چنین توصیفی از زندگی این نویسنده و مترجم بسیار شگفت انگیز و عجیب به نظر می رسد.

روی هم رفته، از اسم این ادیب چنین بر می آید که وی مسیحی الأصل است، همچنین از اطلاعاتی که در دست داریم چنین به نظر می رسد که او به زبان های عربی، انگلیسی و فرانسوی مسلط بود؛ زیرا این مترجم برخی آثار را از زبان انگلیسی و فرانسوی به عربی برگردانده است که به آنها اشاره خواهد شد.

واقعییت این است که پژوهنده و محقق در تابعیت این ادیب شک و تردید داشته و مسأله ای که پژوهنده و محقق را در دایره ای شک و تردید افکنده؛ این است که چیزی درباره شرح زندگی این مترجم در دست نداشتیم. نیز وی در محافل ادبی معروف و مشهور نبود، همچنین اسم وی در کتاب عیسی الناعوری: «الحركة الشعرية في الضفة الشرقية من المملكة الأردنية الهاشمية» که به عنوان شرح زندگی نامه های ادیبان و فرهیختگان اردنی است، وجود ندارد.

دکتر یوسف بکار به این موضوع پرداخت و اشاره کرد که نويل عبد الأحد یکی از فرهیختگان اردنی است که رباعیات عمر خیام را ترجمه کردند، او را به عنوان سومین شخصیت اردنی از لحاظ ترتیب تاریخی بعد از شاعر بزرگ اردن مصطفی وهبی التل ملقب بـ"عرار" و عیسی الناعوری ذکر نمود، همچنین وی در کتاب (النقد الأدبي) که در سال ۱۹۹۵م به چاپ رسید، چنین لب به سخن گشود که این ادیب اهل اردن است؛ او درباره تیسیر سبول که گزیده ای از رباعیات خیام را در سال ۱۹۷۳ به زبان عربی برگرداند (بسام ربابعة، ۲۰۰۷)، این طور نوشت: "وی چهارمین مترجم اردنی است بعد از مصطفی وهبی التل (تاریخ ترجمه: ۱۹۲۲م) عیسی الناعوری (۱۹۵۴م) و نويل عبد الأحد (۱۹۵۸م) است که ترجمه گزیده ای از رباعیات خیام را بر عهده داشتند". (یوسف بکار، ۱۹۹۵، ص ۱۷۱)

شایان ذکر است که دکتر یوسف بکار اظهارات دیگری درباره تابعیت نويل عبد الأحد داشت، وی ترجمه عبد الأحد را در کتاب خود "الترجمات العربية لرباعيات الخيام" که در سال ۱۹۸۸ به چاپ رسید به عنوان ترجمه شماره ده مورد بحث و بررسی قرار داده و چنین نوشته است: "علی رغم این که اسم وی در "معجم المؤلفين السوريين في القرن العشرين" ذکر نشده است، و ضمن تأکید بر این که او از نویسندگان مجله «الایمان» دمشق است و شادروان شفیق جبری نیز مقدمه ای برای ترجمه وی به رشته تحریر در آورده است، هنوز عقیده دارم که وی اهل سوریه است". (یوسف بکار، ۱۹۸۸م، ص ۳۰۹) همچنین شایان ذکر است که برخی صاحب نظران

فارسی زبان هنوز اعتقاد دارند که نویل عبد الأحد أهل سوریه است.  
(<http://rasekhoon.net/article/show/214694>)

در هر حال پژوهنده کنونی چنین اعتقاد دارد که نویل عبد الأحد تابعیت اردن داشته و مدتی طولانی از عمر وی را در اردن گزارنده؛ البته شواهد و قراین بر این مسأله صحت می گزارد، زیرا وی مدتی دراز از زندگی خود را در اردن گزارنده و در عمان پایتخت اردن اقامت گزیده، به تجارت اشتغال داشته و چند کتاب به چاپ رسانده است. همچنین از جمله آن اهدای یکی از کتاب هایش به یعقوب العودات یکی از ادیبان اردنی است که در تاریخ ۱۹۶۲/۶/۲۴ م و در عمان پایتخت اردن صورت گرفت. البته این کتاب هنوز در دسترسی است و با شماره (۲۹۴۴۴) کتابخانه دانشگاه اردن موجود است؛ این عقیده را که وی تابعیت اردنی داشت، تقویت می کند؛ اما به این معنی نیست که او اصالتاً اردنی است، بلکه وی فلسطینی تبار است؛ لذا پژوهنده ترجمه این ادیب را به عنوان یکی از ترجمه های اردنیان و تلاش های آنان در قلمرو رباعیات خیام می گزارد و به بحث و بررسی تلاش های وی در این زمینه می پردازد.

در حقیقت مسأله ای که لازم می دانم در اینجا متذکر شوم این است که پژوهنده در پایان نامه خود که به عنوان: "خیام در ادبیات معاصر اردن: با تکیه بر آثار شاعر بزرگ اردن" عرار" در آمده و در سال ۲۰۰۴ م در دانشگاه تهران صورت گرفته، به ترجمه نویل عبد الأحد اشاره کرد و از خدمات و تلاش های وی در زمینه ترجمه رباعیات خیام به زبان عربی قدردانی نمود و او را به عنوان یکی از مترجمان اردنی به شمار آورد. (بسام رباعه، ۲۰۰۴)

هم اکنون (سال ۲۰۱۸ م) و پس از جستجوی در شبکه جهانی "اینترنت" اطلاعات جدیدی درباره زندگی نویل عبد الأحد به دست ما رسیده. گرچه این اطلاعات مختصر است؛ لیکن برای موضوع مورد بحث و بررسی ما مفید است؛ علی الخصوص آن چند مقاله ای است که پس از وفات او و درباره

زندگی و آثار وی به رشته نگارش در آمده است. بی فایده نیست اینجا به مهمترین مراحل زندگی این مترجم اشاره گردد:

نویل عبد الأحد سال ۱۹۳۹م در شهر "بیت لحم" که امروز در فلسطین اشغالی قرار دارد پا به عرصه وجود گذاشت، تحصیلات مقدماتی اش را در زادگاه خویش به پایان رساند؛ سپس مرحله آموزش دبیری را در دانشکده "تراسانطا" در همان شهر با موفقیت گذراند و در سال ۱۹۵۶م مدرک دیپلم را به آرمغان آورد. او در سال ۱۹۵۹ به دستیابی به مدرک لیسانس از گروه ادبیات انگلیسی و ترجمه دانشگاه لندن موفق گردید. این ادیب مدت طولانی از زندگی خود را در اردن گزارنده و در تجارت اشتغال داشته است. وی در سال ۱۹۹۳ به ایالات متحده مهاجرت کرده و در شهر "فینکس" آریزونا ماند و آنجا فعالیت های مختلف داشت تا این که در سال ۲۰۰۷م و بعد از شصت و هشت سال دیده از این جهان فروبست، جسد وی به پایتخت اردن منتقل شد و به خاک سپرده شده است.

(<http://www.aljaredah.com/paper.php?source=akbar&mlf=interpage&sid=15951>)

شایان ذکر است که نویل عبد الأحد تا پایان عمر تنها زندگی می کرد و ازدواج نکرد و مجرد بود.

#### آثار نویل عبد الأحد

همان گونه که اشاره شد اطلاعات زیادی از زندگی و آثار این ادیب در دست نداریم؛ لیکن از اطلاعاتی که هست، چنین به نظر می رسد که وی به ادبیات و ترجمه اهتمام می ورزید و به زبان های عربی، انگلیسی و فرانسوی تسلط کامل داشته؛ زیرا او آثار مختلف را از این زبان ها ترجمه کرد. وی رباعیات خیام را که ادوارد فیتزجرالد به انگلیسی ترجمه کرده بود به زبان عربی برگرداند. این اثر یکی از مهمترین آثار نویل عبد الأحد است. دومین اثر از آثار این ادیب ترجمه کتاب مشهور "پیامبر" اثر نویسنده پرآوازه جبران خلیل جبران از زبان انگلیزی به زبان عربی است. همچنین این ادیب دیوان شعر خانم کولیت سهیل خوری را موسوم بـ "عشرون عاماً" ترجمه کرد. خانم خوری دیوان شعر خویش را به زبان فرانسوی به رشته نظم در

آورد؛ در حالی که عبد الأحد این دیوان را با اسلوبی سلس و روان و دلپذیر و با کسب اجازه از نویسنده آن به زبان عربی برگرداند.

(<http://www.aljaredah.com/paper.php?source=akbar&mlf=interpage&sid=15951>)

روی هم رفته اینجا به مهمترین آثار نوئل عبد الأحد اشاره می گردد:

- ترجمه رباعیات الخيام، که در سال ۱۹۵۸ در دمشق به چاپ رسیده است.

- ترجمه مجموعه از اشعار "البابا یوحنا الشاعر" که در عمان پایتخت اردن سال ۱۹۸۱ به چاپ رسیده است.

- ترجمه کتاب "پیامبر" اثر جبران خلیل جبران از انگلیسی به زبان عربی است و در سال ۱۹۹۳ در عمان به چاپ رسید.

- ترجمه رمان "ذیل الیاسمین" اثر الفرد اسعد که در ایالات متحده به چاپ رسیده است.

- ترجمه "كشف النقاب عن لغز الحياة والموت" اثر سیلفی دانیای بیدو که در عمان پایتخت اردن سال ۲۰۰۴ به چاپ رسیده است.

- ترجمه رمان "الرقص مع اليوم" اثر غاده السمان به زبان انگلیسی است. (<http://festivalsinsyria.com/show-gDetails.asp?ID=1269>)

درخور ذکر است که نوئل عبد الأحد از مرحله جوانی به ترجمه با روحیه خستگی ناپذیر روی آورد و گزیده های گوناگون از شاعران انگلیسی زبان به عربی برگرداند و در مجله های همچون: "المجلة"، "الأديب" و "الثقافة" و "الضاد" منتشر می کرد. به همین خاطر چه بسا وی آثار دیگری داشته باشد؛ علی رغم این که پژوهنده و محقق از هیچ بحث و تحقیقی درباره زندگی و آثار این ادیب دریغ نکرده؛ اما اثر دیگری از وی به دست نرسیده است؛ لذا پژوهنده به این مسأله اشاره می کند و به آثاری که ذکر شده اکتفا می گردد.



### ترجمه رباعيات خيام

بدون شك، توجه واهتمام عرب ها به خيام ورباعيات وى کمتر از عنایت انگلیسی زبانان نیست؛ ترجمه های عربی رباعیات خيام به بیش از ۸۰ ترجمه رسیده و شهرت خيام ورباعیات وى در جهان عرب نمایان است. امروز عرب ها اعم از: روشنفکران، فرهیختگان، ادیبان، شاعران و مردم عوام با خيام ورباعیات وى آشنا هستند. پژوهنده به بحث و بررسی ترجمه های عربی از رباعیات خيام در مقاله ای جدا پرداخت و به همین خاطر از بحث و بررسی این موضوع خودداری می ورزد.

([http://www.drrababah.blogspot.com/2010/12/blog-post\\_543.html](http://www.drrababah.blogspot.com/2010/12/blog-post_543.html))

نويل عبد الأحد بیرق خدمت به زبان وادبیات فارسی را بر افراشت و توانست اسم خود را به وسیله ترجمه رباعیات خيام که ادوارد فیتزجرالد آنها را در سال ۱۸۵۹م به زبان انگلیسی ترجمه کرد و به چاپ رساند، به یادگار بگذارد. همان گونه که اشاره شد نخستین گام اردنیان در خدمت زبان وادبیات شیرین فارسی در سال ۱۹۲۲ توسط شاعر بزرگ اردن "عرار" صورت گرفته که نخستین ترجمه عربی است و مستقیماً از روی زبان فارسی انجام شده است. (بسام ربابعة، ۲۰۰۴) دومین تلاش در این راستا سال ۱۹۵۴م توسط ادیب فرهیخته اردن عیسی الناعوری انجام شده است، (بسام ربابعة، ۲۰۱۳) اما سومین تلاش اردنیان ترجمه ای است که در سال ۱۹۵۸م صورت گرفته و به بررسی و تحلیل تلاش های صاحب آن در این زمینه می پردازیم.

اگرچه فاصله میان نخستین گام اردنیان و دومین آنها- همانگونه که روشن است- طولانی و در حدود سی و دو سال است؛ اما فاصله میان دومین اهتمام اردنیان به زبان وادبیات فارسی و سومین آنها بیش از چهار سال نیست؛ زیرا نويل عبد الأحد در سال ۱۹۵۸م به ترجمه رباعیات خيام از روی ترجمه منظوم فیتزجرالد پرداخت و آنها را به زبان عربی برگرداند و به صورت منثور در آورد. او برخی از ترجمه خود را در مجله "الایمان" که

در پایتخت سوریه به چاپ می‌رسید، منتشر می‌کرد؛ سپس این ترجمه را به صورت کتاب در همان سال با مقدمه ای شفیق جبری که ریاست دانشکده ی ادبیات دانشگاه سوریه را بر عهده داشت و عضو فرهنگستان دمشق بود در آورد. (هانی الخیر، ۱۹۸۲، ص ۸۵)

شفیق جبری ترجمه نوپل عبد الأحد را با مقدمه ای که از شش صفحه تشکیل می‌گردد به خوانندگان عرب زبان تقدیم نمود. از شواهد وقراین این مقدمه چنین به نظر می‌آید که تصورهای، ذوق‌ها و برداشتهای شفیق جبری عبارت‌اند از برداشتهایی که در وهله اول به ذهن خواننده البته بدون تعمق و تحلیل تداعی می‌شوند. سپس آثار و نشانه‌های شتابزدگی در این مقدمه آشکار است، این مقدمه از تجزیه و تحلیل و تعمق خالی است و از نظریات نقدی برخوردار نیست، روی هم رفته برداشتهای و احساسات شخصی بود که در ترازوی نقد و انتقاد ادبی ارزش زیادی ندارد.

به هر حال؛ مسأله مهم در این مقدمه این است که شفیق جبری به فلسفه حکیم نیشابور که مبنی بر غنیمت شمردن لحظه‌ها و خوش‌گذرانی بود، اشاره می‌کند که از این فلسفه به عنوان فلسفه واقع‌گرایی، سرور و سعادت‌نه فلسفه او هام و رویاها نام می‌برد. (نوپل عبد الأحد، ۱۹۵۸، ص ۱۱) سپس به خلاصه فلسفه آفرینش اشاره می‌کند و انسان برای چه آفریده شده؟ از کجا آمده و به کجا می‌رود؟ وی چنین توضیح می‌دهد که این حقایق از زاویه دید رباعیات ناشناخته‌اند، تنها حقیقت شناخته شده شراب است، با وجود این دل‌صاحب رباعیات از ایمان و اعتقاد سرشار است. او به ایزد یکتا و بخشایش و آمرزش خداوند امیدوار است. (نوپل عبد الأحد، ۱۹۵۸، ص ۱۲)

شایان ذکر است که نوپل عبد الأحد در مورد ترجمه خویش سخن‌نرانده است؛ بلکه به شرح زندگی خیام پرداخت و به اسم، تاریخ و مکان تولد، لقب شاعر حکیم نیشابور اشاره کرد، و اضافه نمود که "خیام ریاضیدان، ستاره شناس، اندیشمند، فیلسوف و شاعری بود که به پست‌های بالا و منصب‌های بزرگی همچون دوستانش نظام‌الملک و حسن صباح اعتنائی نداشت...." (نوپل عبد الأحد، ۱۹۵۸، ص ۶) سپس به تقویم ملکشاهی اشاره کرد و به بیان

شهرت جهانی خیام می پرداخته و چنین توضیح داد خیام و شهرتش مدیون شاعر انگلیسی ادوارد فیتزجرالد است که ترجمه رباعیات خیام را به زبان انگلیسی بر عهده داشت و آن را به چاپ رساند، و سبب شد تا این ترجمه در امریکا و اروپا و همچنین جهان عرب گسترش یافته است.

واضح است که سخنان نویل عبد الأحد در مورد زندگی خیام چیزی تازه ای در بر ندارد؛ بلکه مروری گذرا و شتابزده بر زندگی خیام است. در حالی که مسأله ای که مورد توجه و عنایت عبد الأحد قرار گرفته این است که وی به اهمیت ترجمه فیتزجرالد پرداخت. البته غرض از پرداختن به این مسأله این است که به ترجمه خویش هم اهمیت چشمگیر ببخشد.

اگر از مقدمه ای شفیق جبری و شرح زندگی خیام بگذریم و وارد اصل قضیه می شویم؛ همان گونه که اشاره شد نویل عبد الأحد در تلاش های خود برای خدمت به زبان و ادبیات فارسی، به ترجمه رباعیات خیام توسط شاعر مشهور ادوارد فیتزجرالد روی آورد، وی نخستین چاپ این ترجمه را که در سال ۱۸۵۹ م صورت گرفته، مطالعه کرد و ظاهراً نظرش را به رباعیات خیام و ادبیات فارسی جلب نمود تا حدی که علاقه زیادی به این ترجمه پیدا کرد؛ سپس تصمیم گرفت ترجمه ای فیتزجرالد را به زبان عربی برگرداند و به عرب زبانان به آرمغان بیاورد. لذا او به ترجمه این رباعیات پرداخت تا این که توانسته ترجمه فیتزجرالد به طور کامل و به زبان منثور، سلس و روان به عرب زبانان تقدیم نماید و تا حدی زیادی در ترجمه خویش از موفقیتی برجسته برخوردار بود.

درخور ذکر است تلاش هایی که نویل عبد الأحد در خدمت زبان و ادب فارسی انجام داد، مستقیماً از زبان فارسی صورت نگرفته است؛ زیرا این مترجم هیچ آشنایی با زبان شیرین فارسی نداشته، بلکه ترجمه وی از زبان انگلیسی و از روی ترجمه فیتزجرالد انجام شده است که در حدود صد سال بعد از رسیدن آن به بازار نشر صورت گرفته؛ زیرا نخستین چاپ ترجمه رباعیات خیام توسط فیتزجرالد در سال ۱۸۵۹م در لندن انجام شد، در حالی

که ترجمه این ادیب اردنی در سال ۱۹۵۸م صورت گرفته است و با این رباعی آغاز می گردد:

استیظأ أیها الإنسان من رُقادک

فقد لآح الصبأح

ها هي أشعة الشمس

قد أخذت تتسلق أعالي الجبال والأبراج.

( نویل عبد الأحد، ۱۹۵۸، ص ۱۷ )

که از روی این رباعی ترجمه شده است:

Awake! for morning in the bowl of night

Has flung the stone that puts the stars to flight:

And Lo! The hunter of the East has caught

The sultans Turret in a noose of Light.

( بهاء الدین خرمشاهی، ۱۹۹۹، ص ۴۳ )

و با این رباعی چنین به پایان می رسد:

فإذا ما مررت أیها القمر المنیر

وشاهدت الأكوابَ مبعثرةً فوق العشب

ابعث بنورك الوضاح لكي ينیر قبری

والق بكأس من الخمر لیروي ترابی.

( نویل عبد الأحد، ۱۹۵۸، ص ۵۴ )

که از این رباعی ترجمه شده است:

And when the self with shining foot shall pass

Among the Guests star scatter`d on the Grass,

And in the joyouts Errand reach the spot

Where I made one - turn down an empty Glass!

( بهاء الدین خرمشاهی، ۱۹۹۹، ص ۶۷ )

همچنین می توان به برخی ترجمه های دیگر اشاره کرد که از ضمن آنها ترجمه زیر است:

تضرعتُ للسماء وما عليها من أفلاكٍ  
لعلها تُرشدني إلى المصباح الذي أعدته  
لأبنائها التائهين في فلوات الكلام  
فأجابت: "عقلاً مظلماً"

(نویل عبد الأحد، ۱۹۵۸، ص ۵۵).

که از روی این رباعی ترجمه شده است:

Then to the rolling Heavin itself I cried  
Asking "what Lamp had Destiny to guide  
Her little children stumbling in the Dark?"  
And " A blind understanding!" Heav'n replied.

(بهاء الدین خرمشاهی، ۱۹۹۹، ص ۱۰۴)

از شواهد وقراین ترجمه نویل عبد الأحد چنین بر می آید که وی تنها بر نخستین چاپ ترجمه فیتزجرالد تکیه نکرده؛ بلکه از چاپ های دیگر استفاده نموده است؛ اما این ترجمه در برگیرنده رباعیاتی است که در این چاپ اثری از آن نمی یابیم وشاهد ما بر این مسأله ترجمه رباعی شماره (۳۶) است که به شرح زیر است:

و ذات صبا ح راقبتُ خزافاً  
كان يطرُقُ طينته بين يديه  
فسمعتُ لسانَ حاله يُتمِّمُ بصوتِ حزين:  
رفقاً بي!... يا أخي!... رفقاً بي!

(نویل عبد الأحد، ۱۹۵۸، ص ۳۴)

که این رباعی در نخستین چاپ فیتزجرالد وجود نداشت. در حالی که در پنجمین چاپ وی دو بار با شماره (۳۶ و ۳۷) تکرار شده است:

For in the market-place, one duske of day  
I watach'd the potter thumping his wet clay:  
And with all obliterated Tongue  
It murmur'd "Gently, Brother, gently, pray!"  
(بهاء الدين خرمشاهی، ۱۹۹۹، ص ۸۲)

وهمچنین همان رباعی:

For I remember stopping by the way  
To watch a potter thumping his wet clay:  
And with its all-obliterated Tongne  
It murmur'd –"Gently , Brother , gently, pray!  
(بهاء الدين خرمشاهی، ۱۹۹۹، ص ۸۳)

که از روی این رباعی ترجمه شده است:

دی کوزه گری بدیدم اندر بازار  
بر پاره گلی همی زد بسیار  
وآن گل به زبان حال با او می گفت:  
من همچو تو بوده ام مرا نیکودار.

(بهاء الدين خرمشاهی، ۱۹۹۹، ص ۱۴۰)

درخور توجه است که دکتر بکار همان طور که یادآوری شد در کتاب خویش "الترجمات العربية لرباعيات الخيام" که در سال ۱۹۸۸ به چاپ رسیده، به ترجمه نویل عبد الأحد تحت عنوان ترجمه منتشر شماره دهم اشاره کرده و به بحث و بررسی آن پرداخته، سپس او این رباعی را ذکر نمود و ترجمه نویل عبد الأحد را چنین توصیف کرده است: "ترجمه وی منتشر است و به برگرداندن این رباعیات از زبان انگلیسی به صورت پی در پی و پشت سر هم می پردازد و خود را پایبند این مسأله می کند که هر مصراع انگلیسی را به زبان عربی برگرداند. سپس به دیگر مصراع ها می پردازد تا اصل رباعی را که در بر گیرنده چهار مصراع است تکمیل کند....". (یوسف

بکار، ۱۹۹۹، ص ۳۰۹) دکتر بکار در این کتاب و همچنین در کتاب "فی النقد الأدبی" یادآوری می کند که نوئل عبد الأحد از نخستین چاپ ترجمه فیتزجرالد که در لندن سال ۱۸۵۹م صورت گرفته، بهره برده است. (یوسف بکار، ۱۹۹۵، ص ۱۷۱)

شایان ذکر است که بعضی ناقدان اعتقاد دارند که عبد الأحد به ترجمه بی فاصله رباعیات، از روی نخستین چاپ ترجمه فیتزجرالد و به صورت پی در پی پرداخته؛ لیکن در حقیقت ترجمه وی چنین نیست؛ زیرا پژوهنده و محقق ترجمه نوئل عبد الأحد و مقایسه آن با ترجمه فیتزجرالد را مورد بحث و بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که این مترجم فقط به ترجمه فیتزجرالد تکیه نکرد و تنها از آن استفاده ننمود؛ بلکه از چاپ های دیگر این ترجمه هم کمک می گرفت، تا حدی که به ترجمه برخی رباعیاتی که در نخستین چاپ از ترجمه فیتزجرالد وجود نداشت مانند رباعی شماره (۳۶) پرداخته است.

همچنین لازم به ذکر است که نوئل عبد الأحد رباعی شماره (۳۴) را که در نخستین چاپ ترجمه فیتزجرالد آمده ترجمه نکرده؛ در حالی که همان رباعی در ترجمه عبد الأحد به عنوان ترجمه رباعی شماره (۳۵) در نخستین چاپ آن و این ترجمه به شرح زیر است:

فدنوت من الإبريق حتى لامست شفتي شفثيه

وسألته أن يفضي إليّ بما يعرف من أسرار الخلود

فأجاب: اشرب وتمتع ما دمت في الحياة

فغداً مثواك التراب.

(نوئل عبد الأحد، ۱۹۵۸، ص ۳۳)

که از روی این رباعی ترجمه شده است:

Then to the lip of this poor earthen urn

I lean'd, the secret of my life to learn:

And lip to lip it murmur'd – "while you live,

Drinke!- for, once dead, you never shall return"

(بهاء الدین خرمشاهی، ۱۹۹۹، ص ۵۴ و ۸۲)

خلاصه سخن این است که نمی توان گفت که ترجمه نویل عبد الأحد فقط از روی چاپ اول ترجمه فیتزجرالد وبه صورت کامل وبه شکل مطلق صورت گرفت. هر چند که ترجمه فیتزجرالد دستخوش دیگرگونی و ویرایش واقع شده است که این مسأله در چاپ های مختلف انعکاس یافته ومورد توجه محققان و پژوهندگان قرار گرفته است.

اما درباره مقایسه ومطابقت دادن ترجمه عبد الأحد با ترجمه فیتزجرالد، می توان گفت: "این ترجمه در یک سطح قرار نمی گیرد؛ بلکه متفاوت است: برخی از آنها ترجمه خوبی است، دیگری تحت اللفظی است وقسمتی دیگر کاملاً تحت اللفظی نیست. همچنین مترجم در برخی ترجمه ها دخل وتصرف به عمل انجام داده وگاهی اوقات در برگرداندن بعض الفاظ واصطلاحات دچار توهم شده است". (یوسف بکار، ۱۹۸۶، ص ۳۱۱) به عنوان مثال می توان ترجمه رباعی زیر را برای ترجمه خوب که از ترجمه تحت اللفظی دور مانده یاد کرد:

الدهر لاعب شطرنج بیادقه الليل والنهار

والقدر حجارته البشر يلهو بهم كما يشاء

فيحرك هذا ويلقي ذاك

حتى نلتقي جميعاً في صندوق الفناء.

(نویل عبد الأحد، ۱۹۵۸، ۴۰)

که از روی این رباعی ترجمه شده است:

Tis all a chequer-board of Nights and Days

Where Disting with Men for pieces plays:

Hither and thither moves, and mates, and slays,

And one by one back in the Closet lays.

همچنین می توان ترجمه زیر را به عنوان ترجمه تحت اللفظی ذکر کرد:

إنَّ أصبع الدهر المتحرك كتب ولا يزال يكتب

وحكمه نافذ حازم صارم



ليس في مقدور أحد أن يشطب منه شيئاً  
ولا تمحى منه كلمة واحدة، ولو هبطت دموع العالم بأسرها.  
( نویل عبد الأحد، ۱۹۵۸، ۴۰ )  
که از روی این رباعی ترجمه شده است:

The Moving Finger writes ;and, having writ

Moves on: nor all the nor Wit

Shall lure it back to cancel half a line,

Nor all thy Tears wash out a Word of it.

در حقیقت مسأله ای که لازم می دانم در پایان این مقاله توضیح بدهم این است که غرض از نگارش این مقاله تحت الشعاع قرار دادن شخصیت، آثار و تلاش های نویل عبد الأحد در ترجمه رباعیات خیام است، به این معنی است که هدف آن پرداختن به نقد و بحث و بررسی ترجمه نویل عبد الأحد و مطابقت دادن آن با ترجمه انگلیزی فیتزجرالد نیست؛ زیرا این موضوع را می توان در مقاله ای دیگر مورد بحث و تحلیل قرار داد و همان طور که توضیح شد نویل عبد الأحد هیچ آشنایی با زبان فارسی نداشت و ترجمه وی از روی زبان انگلیزی انجام شده است. علاوه بر این ترجمه فیتزجرالد از دقت برخوردار نبود و از آن به عنوان ترجمه آزاد و "تولد دوباره" یاد می گردد؛ زیرا وی هر دو سه رباعی را باهم ادغام و به زبان انگلیزی ترجمه می کرد. به این وسیله روشن است که مقایسه و مطابقت دادن ترجمه فیتزجرالد با اصل فارسی آن و تشخیص رباعیاتی که از روی آن ترجمه شده کار آسانی نیست؛ بلکه گاهی محال است؛ زیرا رباعیات خیام از هم دیگر نزدیک هستند و معانی برخی از آنها در چند رباعی تکرار می شود.

بنابراین هر کسی که می خواهد ترجمه عبد الأحد را با ترجمه فیتزجرالد مقایسه کند؛ باید این مسایل را در نظر بگیرد. همچنین نباید انتظار داشته باشیم که ترجمه عبد الأحد با رباعیات خیام در زبان مادری مطابقت دارد؛ گرچه این مسأله می توان در برخی ترجمه ها مشاهده نمود و برخی ترجمه ها

همان طور که دیدیم با اصل فارسی آن نزدیک هستند. اما قطعاً همه آنها این طور نیست.

### نتیجه گیری

بی گمان نتیجه گیری که به دست آمده، این است که این مقاله به بحث و بررسی شخصیت، آثار و ترجمه نویل عبد الأحد پرداخته و تلاش های وی را در زمینه ترجمه رباعیات خیام به زبان عربی تشخیص نموده و تحت الشعاع قرار داده است. اگرچه نویل عبد الأحد یکی از مترجمان اردنی است که به خدمت زبان و ادبیات فارسی پرداخت و تلاش هایی خوبی در زمینه ترجمه رباعیات خیام انجام داد، اما ترجمه وی مستقیماً از زبان فارسی صورت نگرفته است؛ زیرا او هیچ آشنایی با زبان شیرین فارسی نداشته، لذا به ترجمه منظوم فیتزجرالد که در بردارنده هفتاد و پنج رباعی، روی آورد، و آنها را کاملاً به زبان عربی برگرداند. در پایان توانست نام خویش را در لیست اردنیانی که به ترجمه گزیده های از رباعیات خیام پرداختند و خدمات ارزشمند و به یاد ماندنی به رشته تحریر در آوردند، ثبت کند و تا حد زیادی نیز در این تلاش ها از موفقیتی برجسته برخوردار بود.

### فهرست منابع و مأخذ

- بکار، یوسف: الترجمات العربية لرباعیات الخيام: دراسة نقدية، چاپ اول، منشورات مركز الوثائق والدراسات الإنسانية، جامعة قطر، قطر، ۱۹۸۸ م.
- .....: في النقد الأدبي: إضاءات وحفريات، چاپ اول، دار المناهل، بیروت، ۱۹۹۵ م.
- التل، مصطفى وهبي التل (عرار)، ترجمه رباعیات عمر الخيام، تقديم ومراجعة عيسى الناعوري، كتابخانه دانشگاه اردن، مجموعه ویژه ای، شماره (۸۹۱ / ۵۵۱۱ م خ).
- الحلاق، کاظم: مقاله نویل عبد الأحد وزمن الموتی، به رابط زیر:  
<http://www.aljaredah.com/paper.php?source=akbar&mlf=interpage&id=15951>
- خرمشاهی، بهاء الدین: رباعیات خيام، با تصحيح، مقدمه و حواشی محمد علی فروغی وقاسم غنی، ویرایش بهاء الدین خرمشاهی، همراه با ترجمه انگلیسی فیتزجرالد، چاپ دوم، انتشارات ناهید، تهران، ۱۳۷۸ ه ش (۱۹۹۹ م).
- الخیر، هانی: رباعیات الخيام في العربية، چاپ اول، دار الیقظة العربية، ۱۹۸۲ م.
- ربابعة، بسام: "تلاش های عیسی الناعوری در قلمرو خيام شناسی"، مجله الدراسات الشرقية (نسخة) انگاره، ترکیه، صص ۱۶۹ - ۱۸۶، شماره ۳۶، ۲۰۱۳، که در وبسایت صاحب این مقاله به رابط زیر موجود است:  
[http://www.drrababah.blogspot.com/2013/09/36-2013-169-186-1985-1918\\_6558.html](http://www.drrababah.blogspot.com/2013/09/36-2013-169-186-1985-1918_6558.html)
- .....: خيام در ادبیات معاصر اردن: با تکیه بر آثار شاعر بزرگ اردن " عرار"، پایان نامه دکتری، دانشگاه طهران، ۱۳۸۳ ه ش (۲۰۰۴ م).

-.....: "خيام در ادبيات معاصر عرب" مجله هستی، طهران، شماره ۱۷، بهار ۱۳۸۳ ه ش (۲۰۰۴م) که در وبسایت صاحب این مقاله به رابط زیر موجود است:

[http://www.drrababah.blogspot.com/2010/12/blog-post\\_543.html](http://www.drrababah.blogspot.com/2010/12/blog-post_543.html)

.....: "تأثير اندیشه های خيام بر شاعر اردنی تيسير سيول"، مجلة كلية اللغات والترجمة، دانشگاه الأزهر، مصر، صص ۱۱۰-۱۳۵، شماره ۴۲، سنة ۲۰۰۷م که در وبسایت صاحب این مقاله به رابط زیر موجود است:

[http://www.drrababah.blogspot.com/2010/10/blog-post\\_6808.html](http://www.drrababah.blogspot.com/2010/10/blog-post_6808.html)

- عبد الأحد، نويل: ترجمة رباعيات الخيام، چاپ اول، منشورات مطبعة الحياة، دمشق، ۱۹۵۸م.

-عزوز، محمد: "الأديب نويل عبد الاحد في ذكرى وفاته" به رابط زیر:

<http://festivalsinsyria.com/show-gDetails.asp?ID=1269>

- نيا، ناصر محسن، " خيام پژوهشی با تکیه بر جهان معاصر عرب"، به رابط زیر است:

<http://rasekhoon.net/article/show/214694/>